نقش رزمندگان تیپ ۱۲ قائم آل محمد سمنان در عملیات مرصاد

قسمت سوم و پایانی

***فایده و تأثیر حماسه تیپ قائم(عج) بر شکل‌گیری و موفقیت عملیات مرصاد:**

حماسه تیپ قائم(عج) دو فایده بسیار مهم، پر ارزش، تعیین‌کننده و بی‌مانند برای عملیات مرصاد داشت که تا کنون به آن توجه نشده است:

– مقاومت‌ها و مقابله‌ها در برابر تجاوز منافقین

سران جنایتکار مجاهدین خلق، به خیال خام خود، به ارتش آزادیبخش وعده دادند که مردم ایران از آنها استقبال و با آنها همراهی می‌کنند. اما مقاومت پراکنده برخی یگان‌های رزمی، مانع حرکت سریع آنها شد و استراتژی رسیدن به تهران و تاکتیک حرکت پرسرعت منافقین را با کندی مواجه کرد.

در سر راه منافقین، از عصر سوم مرداد که از مرز عبور کردند تا نیمه شب همان روز، گروه‌هایی از رزمندگان اسلام به طور تصادفی با منافقین مواجه و درگیر شدند اما هیچکدام موفق به بازداشتن ستون نظامی منافقین از حرکت نشدند. تا قبل از تنگه چارزبر، حرکت این افعی وحشی که مسیر خسروی به سمت کرمانشاه را درمی‌نوردید، سدّ نشد.

پس از اقدام تیپ قائم(عج) استان سمنان در سد و توقف ستون نظامی منافقان در تنگه چارزبر، با فرماندهی عالی شهید صیاد شیرازی و سایر فرماندهان، به ویژه شهید شوشتری، یگان‌های مختلف سپاه و بسیج و هوانیروز و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و یگان‌هایی از کمیته انقلاب اسلامی و سپاه ۹ بدر برای سرکوب دشمن وارد عمل شدند؛ برخی از همان محل تنگه چهارزبر که تیپ قائم(عج) خط مقدم درست کرده بود و برخی دیگر در طول جاده تا اسلام آباد، به نابود کردن «ستون نظامی متوقف شده منافقین» پرداختند.

***پس از اقدام تیپ قائم(عج) استان سمنان در سد و توقف ستون نظامی منافقان در تنگه چارزبر، با فرماندهی عالی شهید صیاد شیرازی و سایر فرماندهان، به ویژه شهید شوشتری، یگان‌های مختلف سپاه و بسیج و هوانیروز و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و یگان‌هایی از کمیته انقلاب اسلامی و سپاه ۹ بدر برای سرکوب دشمن وارد عمل شدند؛ برخی از همان محل تنگه چهارزبر که تیپ قائم(عج) خط مقدم درست کرده بود و برخی دیگر در طول جاده تا اسلام آباد، به نابود کردن «ستون نظامی متوقف شده منافقین» پرداختند**

***چیستی و چگونگی نقش آفرینی رزمندگان تیپ قائم(عج) در مرصاد**

برای نقل و تبیین رزم سه روزه و تاریخ ساز رزمندگان تیپ ۱۲ قائم(عج) استان سمنان در عملیات مرصاد، باید صدها ساعت روایت کرد و دهها کتاب نوشت. تنها یگان منسجم که قبل از رسیدن دشمن به تنگه چهارزبر، جلوی ستون نظامی منافقین «ایستاد» و خاکریز زد و خط پدافندی ایجاد کرد و سد راه دشمن شد و خیال فرماندهان از متوقف کردن دشمن و نرسیدن او به دشت وسیع بعد از تنگه چارزبر(ماهیدشت) را راحت کرد، رزمندگان تیپ ۱۲ قائم(عج) استان سمنان بودند. «حماسه تیپ قائم(عج)» برای فرماندهان عالی جنگ، امثال شهید صیاد شیرازی، شهید شوشتری و سایرین، این فرصت را ایجاد کرد تا به شناسایی میدان نبرد و طرح ریزی عملیات مرصاد بپردازند و بتوانند سایر یگان‌ها را از دیگر مناطق به این نقطه فرابخوانند و آن یگانها زمان داشته باشند که برسند و به سرکوب و نابودی منافقین متجاوز بپردازند.

***شرح مختصر حماسه تیپ قائم(عج)**

صبح دوم مرداد اگرچه تعدادی از رزمندگان و فرماندهان از نقاط مختلف می‌آمدند و مقر صادقین داشت حال و هوا و عطر حضور بسیجیان و پاسداران را به خود می‌گرفت، اما هیچ گردان رزمی در مقر صادقین حضور نداشت. گردان قمر بنی هاشم(ع) دامغان، در خط جبهه غرب بود، گردان حضرت باالفضل(ع) شاهرود، تازه از صادقین رفته بود مریوان تا خط را از گردان قمر تحویل بگیرد، گردان‌های سیدالشهداء(ع) شاهرود و روح‌الله دامغان و امام رضا(ع) سمنان و امام حسین(ع) گرمسار هم در شهرهای خودشان آماده می‌شدند تا در همان موج حضور مردمی به جبهه بیایند. ناگفته نماند که گردانهای اعزامی کسب تکلیف می‌کنند که به قائمیه در دزفول بروند یا به مقر صادقین در «باختران»[۱]؟ سردار مهدوی نژاد می‌گوید: «به باختران بیایید»؛ و این کار خدا بود.

روز سوم مرداد –یعنی همان روز ورود منافقین به مرز خسروی – با امداد غیبی الهی، گردان قمر بنی هاشم(ع) دامغان و گردان سیدالشهدا(ع) شاهرود وارد مقر صادقین می‌شوند و رزمندگان دو گردان پس از نماز عشاء و صرف شام، مشغول استراحت می‌شوند. توضیح این که؛ گردان قمر پس از چندماه استقرار در خط پدافندی غرب(ارتفاعات ملخ خور)، به مقر صادقین آمده و منتظر بودند اتوبوس فراهم شود و به دامغان برگردند و گردان تازه نفس سیدالشهدا(ع)، غروب سوم مرداد از شاهرود به مقر صادقین می‌رسد و هیچکدام تصور نمی‌کردند که چه نقش آفرینی تاریخ سازی، در انتظار آنهاست.

در کنار این حضور نیروهای رزمی، یک تریلی سلاح و مهمات که از پادگان قائمیه دزفول برای رفتن به خط پدافندی تیپ در مریوان آمده بود، به دلیل ممنوعیت حرکت در شب، بین راه، در مقر صادقین نگهش می‌دارند تا فردا در روشنایی روز برود.

ساعت ۲۲ سوم مرداد از قرارگاه به فرماندهی تیپ ۱۲ قائم(عج) اعلام می‌شود که دشمن وارد شهر اسلام آباد شده، شما سریع بروید آنجا. بلافاصله سردار مهدوی نژاد (جانشین تیپ) برای شناسایی به سمت اسلام آباد و سردار خانی(معاون تیپ) برای هماهنگی به قرارگاه می‌روند و از واحد اطلاعات هم برای شناسایی وضعیت دشمن می‌روند.

نزدیک نیمه شب، فرماندهی و اطلاعات تیپ، فرماندهان دو گردان حاضر در مقر را فرا می‌خوانند و وضعیت برایشان تشریح و ابلاغ می‌شود که نیروها را بیدار و آماده اعزام به نقطه درگیری با دشمن کنند.

اولاً: فرماندهان عالی جنگ، فرصت مناسب برای شناسایی وضعیت منطقه نبرد، طرح ریزی عملیات و تأمین نیرو و امکانات برای اجرای عملیات را یافتند.

ثانیاً: یگانهای مستقر در سایر مناطق، زمان کافی برای رسیدن به محل درگیری و اجرای عملیات مرصاد را به دست آوردند.

شهید صیاد شیرازی فرمانده عملیات مرصاد که با بالگرد برای شناسایی وضعیت بر فراز منطقه نبرد در پرواز است می‌گوید:... به خلبان‌ها گفتم: اینها دشمنند بروید شروع کنید به زدن تا بقیه هم برسند.... شماها بزنید، ما بریم به دنبال راه دیگر. چون فقط کافی نبود که از هوا بزنیم، باید کسی را از زمین گیر می‌آوردیم. ما دیگه رفتیم شناسایی کردیم... هر چه گردان بود، اینها را با هلیکوپتر سوار می‌کردیم، دور اینها می‌چیدیم... ما دیگر با خیال راحت دور آنها را گرفتیم. محاصره درست کردیم؛ نیروهای سپاه هم بعد از ۲۴ ساعت از خوزستان رسید. نیروهای ارتش هم از محور ایلام آمد...

سردار شهید شوشتری، فرمانده قرارگاه نجف که تیپ قائم(عج) تحت امر ایشان بود و پس از شنیدن خبر تهاجم منافقین، به سرعت از خوزستان با هواپیما به کرمانشاه می‌آید، نقل می‌کند:... با بی‌سیم VHF داخل منطقه، برادر مهدوی نژاد صدای مرا شنید و جواب مرا داد. سؤال کردم: کجا هستی؟ گفت: من در داخل تنگه چهارزبر هستم. من خیلی بابت حضور تیپ ۱۲ قائم(عج) در منطقه خوشحال شدم و خیالم راحت شد که یکی از یگان‌های سازمانی ما در تنگه استقرار دارد و تنها یگان سازمانی منظم که در تنگه، در خط مقدم می‌جنگید و می‌شد روی آن حساب باز کنی و با آن ارتباط برقرار کنی که بشود به او فرمان داد، تیپ دوازده قائم(عج) بود. ایشان تصریح می‌کند: در عملیات مرصاد این نقش یک نقش منحصر به فرد بود، اگر نبود این تیپ در آن جا و آن تنگه و این اتفاقات الهی که باعث شد این تیپ در آنجا حضور پیدا کند[چه می‌شد؟] که همه اینها را خدا تنظیم کرده که بدون برنامه‌ریزی قبلی به طور اتفاقی این تیپ در آنجا باشد، گردان آنجا باشد و مهمات‌ها برود آنجا، کادر تیپ اتفاقی برسند آنجا، که هیچ کدام برابر برنامه و ابلاغ از قبل نبود، این نشان از یک دست غیبی است که خداوند متعال این تیپ و رزمندگان این تیپ را هدایت می‌کند در آنجایی که سرنوشت نظام به خطر افتاده، در آنجا حضور پیدا کند و از این کشور و انقلاب به شایستگی دفاع کنند.

سردار شوشتری در جای دیگر می‌فرماید: «در ابتدا تنها یگانِ مستقر و منظم در منطقه که می‌شد با فرمانده آن تماس گرفت و به او امر و نهی کرد تیپ ۱۲ قائم بود. پس از آن، حوالی ظهر چهارم یگان‌های دیگر را وارد منطقه کردیم.»

در مجموع، تیپ ۱۲ قائم(عج) استان سمنان، حدود ۶۰ ساعت در نبرد تنگه چهارزبر، با بکارگیری بیش از ۱۶۰۰ نفر نیرو، جانانه به مقابله با منافقین خائن پرداخته و با تقدیم ۵۹ شهید گرانقدر و از جمله سرداران شهید:

۱ – محمود اخلاقی مسئول عملیات لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع)

۲ – محمدرضا خالصی معاون عملیات تیپ ۱۲ قائم (عج)

۳ – نوروز ایمانی نسب فرمانده گردان ادوات تیپ ۱۲ قائم (عج)

۴ – حسن عزیزیان معاون گردان قمر بنی هاشم(ع) و ۲۲۸ جانباز،

***در مجموع، تیپ ۱۲ قائم(عج) استان سمنان، حدود ۶۰ ساعت در نبرد تنگه چهارزبر، با بکارگیری بیش از ۱۶۰۰ نفر نیرو، جانانه به مقابله با منافقین خائن پرداخته و با تقدیم ۵۹ شهید گرانقدر و از جمله سرداران شهید:**
۱ – محمود اخلاقی مسئول عملیات لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع)
۲ – محمدرضا خالصی معاون عملیات تیپ ۱۲ قائم (عج)
۳ – نوروز ایمانی نسب فرمانده گردان ادوات تیپ ۱۲ قائم (عج)
۴ – حسن عزیزیان معاون گردان قمر بنی هاشم(ع) و ۲۲۸ جانباز، برگ زرین تاریخی را در صفحات پرافتخار تاریخ هشت سال دفاع مقدس، به ثبت رساند

برگ زرین تاریخی را در صفحات پرافتخار تاریخ هشت سال دفاع مقدس، به ثبت رساند.

پانوشت‌ها

۱ – کرمانشاه در دوران دفاع مقدس، باختران بود.

۲ – سردار مهدوی نژاد نقل می‌کند بعدها در سفر شهید صیاد شیرازی به یزد، وقتی ماجرای مقاومت در چهارزبر و خاکریز را برای ایشان توضیح دادم، برگشت به من نگاه کرد و گفت: ما چون به این نرسیدیم که چه کسی آن خاکریز را زده و مقاومت می‌کند، گفتیم ملائک بودند.

نوجوان سیزده ساله

خاطرات آزاده مهدی طحانیان

قسمت نهم

هنوز قطرات اشک روی صورتم بود که دیدم یک موتورسیکلت از دور به طرفم می‌آید. نزدیک‌تر که شد از خوشحالی از جا پریدم و رفتم به سمتش. آقای زارعی مسئول دفتر بسیج اردستان بود. او با مهربانی مرا در آغوش کشید و گفت، خوشحال است که من سالم هستم. گفت: مهدی باورت می‌شود؟ تو اینجا هستی در خط مقدم جبهه، کنار جاده آزادشده اهواز خرمشهر. نه هنوز باورم نمی‌شود توانسته باشی از دست آن جماعت زیادی که مخالف آمدن تو به جبهه بودند در بروی!».

آقای زارع زود رفت. خورشید آمده بود وسط آسمان و گرما بیداد می‌کرد. سنگرهای ما خیلی معمولی بود. دیوارهایش کیسه‌های شن و سقفش ایرانیت. آفتاب به ایرانیت می‌خورد و گرما ده برابر می‌شد. سر ظهر امکان نداشت بتوانی داخل سنگر بمانی. کلاه آهنی را از سرم برداشتم و به دیوار سنگر تکیه دادم. از سنگر بیرون آمدم تا به دو خمپاره انداز کمک کنم. ده متر دورتر از من یک تانک چیفتن ایستاده بود. احساس کردم از سمت تانک چند نفر با هم مرا صدا می‌کنند. سر چرخاندم دیدم، ده نفری از بچه‌های ارتش یک گودال بزرگ توی زمین حفر کرده‌اند و تانک را گذاشته‌اند درست روی گودال. سایه خوب و خنکی درست شده بود. این ده نفر داخل این گودال هی جابه جا می‌شدند و از من می‌خواستند بروم کنارشان استراحت کنم.

کلاهم را روی سرم گذاشتم و تشکر کردم و رفتم به طرف بچه‌های خمپاره انداز. هنوز خیلی از آنها دور نشده بودم که صدای انفجار مهیبی بلند شد، برگشتم پشت سرم را نگاه کردم دیدم اصلا تانک چیفتنی وجود ندارد. فقط دود و آتش به آسمان زبانه می‌کشد.

آتش و دود که خوابید، یک نفر مشمایی برداشته بود و از بچه‌ها خواهش می‌کرد هر چه از پیکر شهدا به جا مانده جمع کنند و داخل مشما بریزند. کل چیزی که از جسد آن ده، پانزده نفر مانده بود آن کیسه مشما را پر نکرد. تکه‌های کوچکی از گوشت بدن، چند انگشتر و پلاک. همین‌ها.

از این دست اتفاقات زیاد برایم افتاده بود. حالا می‌فهمیدم حکمتش چه بوده که من باید زنده می‌ماندم اسیر میشدم... باید زنده می‌ماندم در این افکار غرق بودم که به خواب رفتم.

اولین صبح اسارت که از خواب بیدار شدم احساس کردم عراقی‌ها به تقلا افتاده‌اند. از پشت نرده‌های پنجره آنها را می‌دیدم که رفت و آمد زیادی داشتند. چند افسر سن بالا وارد محوطه شده بودند. سربازها از ترس دائم پا می‌کوبیدند و سیدی سیدی، می‌کردند.

چیزی نگذشت که وارد سالن شدند. دستهای مرا بستند و همراه سه نفر دیگر که آنها هم کم سن و سال بودند بیرون بردند و سوار ماشین کردند. دو سرگرد مسن هم همراهمان آمدند. از آن سه نفر فقط نام محمدرضا یعقوبی، یادم مانده است.

ماشین تویوتا راه افتاد. با خودم گفتم: «خدایا می‌خواهند چه کار کنند؟ دل توی دلم نبود دستهایمان را بستند ولی چشم هایمان باز بود هر چه ماشین جلوتر می‌رفت به فضای جنگی نزدیکتر می‌شدیم. درحالی که خمپاره‌های خودی اطراف ماشین به زمین میخورد، ماشین پشت یک خاکریز توقف کرد. وقتی ما را پیاده کردند، فکر کردم می‌خواهند اعداممان کنند. صدای گلوله از همه طرف شنیده می‌شد. قبضه‌های خمپاره انداز عراقی‌ها با کوهی از مهمات یکسره درحال شلیک بودند؛ همین‌طور تیربارهاشان.

سربازهای خط مقدم به دو سرگرد مسن احترام می‌گذاشتند. ناگهان سوتی به صدا درآمد و سربازان عراقی از همه طرف آمدند و دور تا دور ماشین ما جمع شدند. سرگرد رفت بالای ماشین و با یک بلندگوی دستی با سربازان حرف زد. من که عربی نمی‌فهمیدم. گشتند و یک نفر که فارسی را دست و پا شکسته حرف می‌زد پیدا کردند. او گفت بروم بالا کنار سرگرد بایستم. رفتم روی کاپوت ماشین ایستادم، تا چشم کار می‌کرد این بیابان پر شده بود از نیروهای عراقی.

سربازها می‌خندیدند و ادا در می‌آوردند. من هم صاف ایستادم و سعی کردم سرم را بالا بگیرم. خودم را به خدا سپردم. نیروی دیگری در آن شرایط نمی‌توانست به من قدرت و قوت قلب بدهد.

مترجم حرف‌های سرگرد را برایم ترجمه کرد: «اگر شما مقاومت کنید و فرار نکنید به راحتی پیروز می‌شوید. ایرانیها نیرو ندارند، ارتش ایران ضعیف است، آنها مجبور هستند به مهد کودکها بروند و بچه‌های کوچک را بدزدند و به جبهه‌ها بیاورند. شبها که ایرانی‌ها حمله می‌کنند سربازان خمینی به زور این بچه‌ها را می‌فرستند جلو و صدای‌الله اکبر از بلندگوها پخش می‌کنند تا شماها بترسید. ما امروز این کودک اسیر ایرانی را آورده‌ایم تا با چشم‌های خودتان ببینید و دیگر از مقابل ایرانی‌ها فرار نکنید!»

((آگهی مناقصه عمومی)) نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) یک مرحله ای اجرای عملیات تنظیف (رفت و روب) و جمع آوری زباله منطقه یک شهر سبزوار و دفن زباله های شهرستان سبزوار

سازمان مدیریت پسماند شهرداری سبزواردر نظر مناقصه عمومی خدمات (اجرای عملیات تنظیف (رفت و روب)) و جمع آوری زباله منطقه یک شهر سبزوار و دفن زباله های شهرستان سبزوار شماره ۲۰۰۳۰۹۵۴۸۳۴۰۰۰۰۰۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار فراخوان : تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۸
مهلت دریافت اسناد فراخوان: ساعت ۱۳ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۷
مهلت ارسال پیشنهادات : ساعت ۱۴ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۷
زمان بازگشایی پاکت ها : ساعت ۱۴ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۸
مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۱۲/۹۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریزی نقدی می باشد.
آدرس : خراسان رضوی ، سبزوار ، خیابان اسرار شمالی ، ابتدای خیابان نواب و تلفن ۴۴۲۳۷۷۹۰ و ۰۵۱-۴۴۲۴۹۸۷۹

سازمان مدیریت پسماند شهرداری سبزوار

سعید رضا فصیحی ــ رئیس سازمان

((آگهی مناقصه عمومی)) نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) یک مرحله ای اجرای عملیات تنظیف (رفت و روب) و جمع آوری زباله منطقه دو شهر سبزوار

سازمان مدیریت پسماند شهرداری سبزواردر نظر مناقصه عمومی خدمات (اجرای عملیات تنظیف (رفت و روب)) و جمع آوری زباله منطقه دو شهر سبزوار به شماره ۲۰۰۳۰۹۵۴۸۳۴۰۰۰۰۰۶ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار فراخوان : تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۸
مهلت دریافت اسناد فراخوان: ساعت ۱۳ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۷
مهلت ارسال پیشنهادات : ساعت ۱۴ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۷
زمان بازگشایی پاکت ها : ساعت ۱۴ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۸
مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۱۲/۴۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریزی نقدی می باشد.
آدرس : خراسان رضوی ، سبزوار ، خیابان اسرار شمالی ، ابتدای خیابان نواب و تلفن ۴۴۲۳۷۷۹۰ و ۰۵۱-۴۴۲۴۹۸۷۹

سعید رضا فصیحی ــ رئیس سازمان

((آگهی مناقصه فراخوان یک مرحله‌ای)) نوبت اول

سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری سبزوار

سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری سبزوار در نظر دارد ، نسبت به برگزاری مناقصه عمومی موضوع پروژه جدول گذاری کوچه‌های سطح شهر به شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۹۴۵۷۵۰۰۰۰۱۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس (www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه : ۱۴۰۳/۰۵/۲۸
مهلت دریافت اسناد مناقصه: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد : ۱۴۰۳/۰۶/۱۷
زمان بازگشایی پاکت ها : ۱۴۰۳/۰۶/۱۸
تضمین شرکت در مناقصه شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۹۴۵۷۵۰۰۰۰۱۵ مبلغ ۲/۲۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

فواد سحابی ــ سرپرست سازمان

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضیعت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرای به شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۴۰۰۳۰۰۰۵۰۴ و ۱۴۰۳۶۰۳۲۴۰۰۳۰۰۰۵۰۵ مورخه ۱۴۰۳/۰۳/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضیعت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملکی خاییز (چم مزرعه) تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای عبداله صداقت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۲۱۵۳ و به شماره ملی ۳۵۵۹۹۱۹۷۷۰ صادره از تنگستان و آقای حیدر شفیعی فرزند محمود به شماره شناسنامه ۳۵۵۰۱۳۴۳۴۷ و به شماره ملی ۳۵۵۰۱۳۴۳۴۷ در ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی(هر کدام به نسبت سه دانگ مشاع (بالسویه)) به مساحت ۲۰۸۴۳/۳۰ متر مربع پلاک ۳۲ فرعی از ۲۴۵۰ اصلی قطعه سه واقع در خاییز (چم مزرعه) خریداری از مالک رسمی محمود شفیعی محرز گردیده است، فلذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انتقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات مربوطه سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف:۹۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

غلامرضا حیدری –رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان تنگستان

آگهی موضوع ماده۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

شماره: ۱۴۰۳/۶۸۷/۱۱۶/۵۷۶ تاریخ: ۱۴۰۳/۵/۲

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بانه تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد

بخش ۷ بانه

۱ - آقای باقی گوهری فرزند محمد عزیز نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان جزءپلاک ۳ فرعی از ۱۱۷۶- اصلی به مساحت ۴۵۳/۵۰ متر مربع واقع در بانه بلوار مرزبانان روبروی شهرک نور

۲ - آقای حسین عبدی فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان جزءپلاک ۱۲۲۴- اصلی به مساحت ۱۸۹/۰۷ متر مربع واقع در بانه جاده سلیمانی کوچه نرمین ۴

۳ - آقای الوند قادر خان زاده فرزند برهان نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان جزءپلاک ۱۲۵۰- اصلی به مساحت ۱۸۱/۵۱ متر مربع واقع در بانه بلوار سلمان بگ

دهستان سبدلو قطعه ۳

۴ - خانم نسرین صالح پورفرزند احمد نسبت به ششدانگ یک یک قطعه زمین زراعی جزءپلاک ۱۰- اصلی به مساحت ۲۰۸۸/۱۹ متر مربع واقع در بانه روستای بنه خوی

۵ - خانم صبری صالح پورفرزند احمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزءپلاک ۱۰- اصلی به مساحت ۳۲۶۱/۲۸ متر مربع واقع در بانه روستای بنه خوی

۶ - خانم حلاو صالح پورفرزند احمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزءپلاک ۱۰- اصلی به مساحت ۲۴۶۸/۲۲ متر مربع واقع در بانه روستای بنه خوی

۷ - آقای یحی صالح پورفرزند احمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزءپلاک ۱۰- اصلی به مساحت ۴۸۳۰/۴۳ متر مربع واقع در بانه روستای بنه خوی

۸ - آقای واحد فولادی فرزند رحمن نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزءپلاک ۱۰- اصلی به مساحت ۹۶۳۵/۹۶ متر مربع واقع در بانه روستای بنه خوی

۹ - آقای محمد رئوف صالح پور فرزند احمد نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزءپلاک ۱۰- اصلی به مساحت ۳۵۸۷/۶۸ متر مربع واقع در بانه روستای بنه خوی

۱۰ - آقای محمد حسن پور بنه خوی فرزند قاسم نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزءپلاک ۱۰- اصلی به مساحت ۱۹۶۹۲/۰۳ متر مربع واقع در بانه روستای بنه خوی

دهستان دشت تال قطعه ۶

۱۱ - آقای رحیم خدری فرزند محمود نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزءپلاک ۲۹- اصلی به مساحت ۱۱۳۱۲/۸۶ متر مربع واقع در بانه روستای زرواو سفلی

۱۲ - خانم دریا سوری فرزند طاهر نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزءپلاک ۲۹- اصلی به مساحت ۲۴۶۹/۶۲ متر مربع واقع در بانه روستای زرواوسفلی

دهستان ننور قطعه ۱۰

۱۳ - آقای احمد صالح پور فرزند سلیم نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۳۸۴۵/۰۱ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۱۴ - آقای محمد امین صالح پور فرزند سلیم نسبت به دو دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۳۸۴۵/۰۱ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۱۵ - آقای محمود صالح پور فرزند سلیم نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۳۸۴۵/۰۱ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۱۶ - آقای احمد صالح پور فرزند سلیم نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۳۴۱/۴۹ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۱۷ - آقای رحیم صالح پور فرزند سلیم نسبت به سه دانگ ازششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۳۴۱/۴۹ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۱۸ - آقای محمود صالح پور فرزند سلیم نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۷۱۱۰/۰۸ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۱۹ - آقای محمد حسین صالحی فرزند صالح نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۴۵۷۳/۲۴ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۰ - آقای صلاح الدین اخلاقی فرزند عبدالرحمن نسبت به سه دانگ از ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۷۰۴۰/۱۲ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۱ - آقای عمر کریمیان فرزند احمد نسبت به سه دانگ از ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۷۰۴۰/۱۲ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۲ - آقای عبدالرحمن قادری فرزند علی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۱۷۲۶۵/۵۵ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۳ - آقای عبدالرحمن قادری فرزند علی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۱۰۴۹۸/۰۴ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۴ - آقای عبدالرحمن قادری فرزند علی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزءپلاک ۵- اصلی به مساحت ۱۴۳۶/۰۷ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۴ - خانم ثویبه قادری فرزند نصرالله نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۳۱۰۱/۶ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۵ - خانم ثویبه قادری فرزند نصرالله نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۵۸۶۴/۵۲ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۶ - خانم ثویبه قادری فرزند نصرالله نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۶۸۳/۷۸ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۷ - آقای حمید صالحی فرزند محمدامین نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۲۰۰۷/۸۶ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۸ - آقای وریا سلطانی فرزند کریم نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۵ -اصلی به مساحت ۵۳۶/۶۷ متر مربع واقع در بانه شهر بوئین سفلی

۲۹ - آقای خالد حسنی مقدم فرزند محمد کریم نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۱۷ -اصلی به مساحت ۶۳۴۸/۵۸ متر مربع واقع در بانه روستای کیوله

۳۰ - آقای مهدی فردیان فرزند علی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۱۷ -اصلی به مساحت ۲۹۶۸/۱۹ متر مربع واقع در بانه روستای کیوله

۳۱ - خانم نهال رسولی فرزند ظاهر نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۲۷ -اصلی به مساحت ۳۱۰۴/۱ متر مربع واقع در بانه روستای خوری آباد

۳۲ - آقای ابراهیم رحمنی فرزند احمد سعید نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۴۵ -اصلی به مساحت ۲۰۳۵/۲۶ متر مربع واقع در بانه روستای ولی آباد

۳۳ - آقای کیوان خدائی فرزند جلال نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ جزء پلاک ۴۵ -اصلی به مساحت ۲۱۸۶/۱۶ متر مربع واقع در بانه روستای ولی آباد

۳۴ - آقای باقی کریمی فرزند محمد سعید نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی جزء پلاک ۴۵ -اصلی به مساحت ۱۳۱۸/۹۱ متر مربع واقع در بانه روستای ولی آباد

۳۵ - آقای هیوا سعیدی فر